

سه شنبه ۲۵ آذر ۱۴۰۴
وطني امروز | شماره ۴۴۸۹

ورزشی

گزارش

واکنش رسمی استقلال به شایعه فسخ هافبک کابینی

فسخ یا فشار؟

انتشار ناگهانی خبری درباره فسخ یک‌طرفه قرارداد ددیده اندونگ، هافبک گابنی استقلال، بار دیگر فضای اطراف این باشگاه را ملتهب کرد؛ شایعه‌ای که خیلی زود در شبکه‌های اجتماعی چرخید و نگرانی هواداران را موجب شد. ماجرا از جایی شروع شد که برخی رسانه‌ها مدعی شدند اندونگ پیش از ترک تهران برای حضور در اردوی تیم ملی گابن، تصمیم گرفته به همکاری با استقلال پایان دهد. بر اساس این ادعا، اندونگ با ارسال نامه‌ای رسمی به باشگاه استقلال، قرارداد خود را فسخ و دلیل این تصمیم را مشکلات حقوقی مرتبط با پروانه کار و اقامت قانونی عنوان کرده است. در روایت منتشرشده، چنین القا می‌شد که صبر این بازیکن لبریز شده و او ترجیح داده پیش از خروج از ایران، وضعیتش را برای همیشه روشن کند؛ روایتی که خیلی زود به عنوان یک بحران جدید در استقلال تعبیر شد.

با این حال، واکنش رسمی باشگاه سریع و قاطع بود. پژمان ماندگاری، مدیر رسانه‌ای استقلال، دقایقی بعد از انتشار خبر، ادعای فسخ قرارداد را تکذیب و تأکید کرد چنین اتفاقی رخ نداده. این تکذیبیه، هرچند بخشی از التهاب اولیه را کاهش داد اما نتوانست تمام ابهامات را از بین ببرد، چرا که پیشینه رابطه اندونگ و استقلال، خود به‌تنهایی محل بحث است.

ددیده اندونگ از ابتدای فصل، یکی از بازیکنان تأثیرگذار استقلال به شمار می‌رفت اما حضور او در تیم، هیچگاه بدون حاشیه نبود. چالش‌های مربوط به بازگشت او به ایران، تأخیر در پیوستن به تمرینات پس از اردوهای ملی و برخی غیبت‌ها، بارها باعث نارضایتی کادر فنی شده بود. همین سابقه، باعث شد شایعه فسخ قرارداد برای بسیاری از هواداران چندان دور از ذهن به نظر نرسد.

ابعاد ماجرا زمانی پیچیده‌تر شد که مدیر برنامه اندونگ نیز وارد میدان شد. ایجنت این بازیکن با انتشار مطالبی در فضای مجازی، از فسخ قرارداد به‌عنوان «حق قانونی» اندونگ یاد کرد و با ادبیاتی تند، توپ را به زمین باشگاه انداخت. همین واکنش‌ها، نشان می‌دهد حتی اگر فسخی در کار نباشد، اختلافات از سطح فنی عبور کرده و به حوزه حقوقی رسیده است.

نگرانی اصلی استقلالی‌ها اما فقط به این شایعه ختم نمی‌شود. حتی در خوش‌بینانه‌ترین حالت و با فرض حل‌وفصل اختلافات، اندونگ راهی رقابت‌های جام ملت‌های آفریقا شد؛ تورنمندی که به‌معنای غیبت طولانی‌مدت او از ترکیب و تمرینات استقلال خواهد بود؛ غیبتی که می‌تواند در میانه فصل، دست کادر فنی را خالی بگذارد.

در مجموع، تکذیب رسمی باشگاه شاید فعلاً آتش شایعه فسخ را خاموش کرده باشد اما آنچه باقی مانده، سایه یک پرونده باز است؛ پرونده‌ای که اگر مدیریت نشود، می‌تواند استقلال را وارد چالشی فراتر از یک شایعه کند.

خبر

لس آنجلسی‌ها نگران سناریوی امنیتی ترامپ در المپیک ۲۰۲۸

با وجود تخصیص یک میلیارد دلار بودجه برای تأمین امنیت بازی‌های المپیک ۲۰۲۸ لس آنجلس، شورای این شهر نگران چگونگی تخصیص آن و حضور نیروهای امنیتی است.

به گزارش فارس، شورای شهر لس آنجلس شدت نگران چگونگی تخصیص یک میلیارد دلار فدرال برای حفاظت از بازی‌های المپیک لس آنجلس است و مقامات محلی نیز همچنان با کمیت به رگزار کننده در حال مذاکره‌اند اما مقامات شهرداری هنوز نمی‌دانند چه کسی توزیع نهایی پول را بر عهده دارد.

ناراحتی‌ها در باره چگونگی تخصیص، به دلیل ایجاد یک کار گزوه توسط ترامپ، تشدید هم شده. همان‌طور که روزنامه اورنج کانتی رجیستر گزارش کرده، اعضای شورای شهر لس آنجلس نحوه توزیع پول تصویب‌شده توسط کنگره برای پوشش امنیت این رویداد چندورزشی را زیر دره‌بین قرار داده‌اند و این مساله درباره تعیین اینکه چه کسی تصمیمات استراتژیک را می‌گیرد و با چه میزان نظارت محلی همراه است، مطرح می‌شود.

عدم شفافیت درباره هزینه‌هایی که کمیته‌برگزار کننده پوشش خواهد داد، دلیل نارضایتی هاست. از طرفی تنش‌های سیاسی بین دولت ترامپ و مقامات کالیفرنیا به این بحث دامن زده است. متیو دبلیو سلیو مقام ارشد شورای شهر لس آنجلس به این روزنامه گفت: «ما هنوز شفافیت کامل نداریم»

ایجاد نیروی ویژه فدرال برای نظارت بر امنیت المپیک، تردیدهایی را درباره عملکرد واقعی آن ایجاد کرده است. ترامپ گفته اگر لازم بداند در اعزام نیرو در طول بازی‌های المپیک تردید نخواهد کرد.

فراتر از تنش‌های سیاسی، تردیدهای عملیاتی نیز همچنان پابرجاست. این امر مستلزم هماهنگی نزدیک با مقامات ایالتی و محلی است اما در عمل، راه سازگاری با قدرت‌های شهرداری همیشه هموار نیست. شورای شهر می‌خواهد دقیقاً بدانند آن گروه ویژه چگونه عمل خواهد کرد، شورای شهر چه آزادی عملی برای انجام اقدامات خود خواهد داشت و همه اینها چگونه بر جامعه تأثیر خواهد گذاشت. مقامات شهر می‌دانند استقرار گسترده نیروهای امنیتی، زندگی شهری را عمیقاً متحول می‌کند.

تلاقی یک چرخه پرتنش سیاسی با یک رویداد ورزشی جهانی و مجموعه‌ای از مسؤولیت‌های مشترک سناریوی حساسی را برای لس آنجلس ترسیم می‌کند. بسیاری از ساکنان این شهر نگرانند با شروع بازی‌ها، نظامی‌سازی پلیس ایالات متحده که در دوران ترامپ مشاهده شده، تشدید شود.



پرسپولیس اوسمار ویرا دیگر صرفاً تیمی در مسیر قهرمانی نیست؛ این تیم به الگویی تازه از مدیریت نیمکت در لیگ برتر تبدیل شده است. پیروزی یک بر صفر برابر آلومینیوم اراک شاید

روی کاغذ یک برد حداقلی باشد اما در بطن خود حامل معنایی بزرگ‌تر است: ثبت رکوردی تاریخی که جایگاه این مربی برزیلی را در فوتبال ایران تثبیت می‌کند. اوسمار در بیستمین حضورش روی نیمکت پرسپولیس، زودتر از هر مربی دیگری در تاریخ لیگ برتر از مرز ۵۰ امتیاز عبور کرد؛ عددی که دیگر فقط یک آمار نیست، بلکه سند یک رویکرد متفاوت است.

■ رکوردی که اتفاقی نبود

عبور از ۵۰ امتیاز در ۲۰ مسابقه، پیش از این برای هیچ مربی‌ای ممکن نشده بود. رکوردداران قبلی، نام‌هایی بودند که هر کدام دوره‌ای از ثبات و قدرت را تجربه کرده‌اند اما حتی آنها هم برای رسیدن به این حد نصاب، به بازی‌های بیشتری نیاز داشتند. همین فاصله عددی، نشان می‌دهد آنچه اوسمار ساخته، حاصل روندی پیوسته و حساب‌شده است، نه نتیجه موج‌های مقطعی یا بردهای پراکنده.

میانگین امتیازگیری اوسمار، او را در قله‌ای قرار داده که کمتر مربی‌ای به آن نزدیک شده است. ۲.۵۵ امتیاز در هر بازی، رقمی است که حتی در مقایسه با موفق‌ترین مربیان دهه اخیر لیگ نیز بر جسته جلوه می‌کند. این عدد، حاصل تعادل میان بردن، نیاختن و مدیریت لحظات بحرانی است؛ همان چیزی که پرسپولیس این فصل را از نسل‌های پرنوسان گذشته متمایز کرده.

■ خروج از بحران

نکته مهم در کارنامه اوسمار، زمان بازگشت او به نیمکت سرخ‌هاست. او تیمی را تحویل گرفت که از نظر ذهنی و ساختاری در وضعیت شکننده‌ای قرار داشت. فشار سکوها، تردید در ترکیب و نوسان نتایج، پرسپولیس را از یک مدعی باثبات دور کرده بود اما تنها چند هفته کافی بود تا این تصویر تغییر کند.

در ۵ مسابقه اخیر، پرسپولیس نه‌تنها ۱۳ امتیاز جمع کرده، بلکه دوباره حس «کنترل بازی» را به دست آورده است. ۴ پیروزی، یک تساوی و تنها یک گل خورده، حاصل تیمی است که قبل از هر چیز، نظم دفاعی و تمرکز ذهنی‌اش ترمیم شده. میانگین ۲.۶ امتیاز در این مقطع، اوسمار را به مؤثرترین مربی فصل تبدیل کرده؛ آن هم بدون هیاهو و وعده‌های بزرگ.

مطرح شدن بیهوده یک نام حوالی نیمکت سرخ

در پرسپولیس همه چیز مثل یک آتش زیر

خاکستر می‌ماند. آتشی که با آمدن اوسمار ویرا موقتا خاموش شد اما خاکسترهای این آتش هنوز پابرجاست. سرخ‌ها با وحید هاشمیان فصلی ناامیدکننده را آغاز کردند و با خودخواهی‌های رضا درویش هرگز به ثبات نرسیدند؛ اتفاقی که توأم درویش و هاشمیان را با هم پیچید و بدل به سونامی تغییرات شد.



تأکید دوباره قلعه‌نویی؛ برنامه ویژه برای چهره جدید تیم ملی

دنیس در راه است!

در لالیگا و بوندسلیگا را دارد و همین تجربه، او را به گزینه‌ای متفاوت نسبت به بازیکنان داخلی تبدیل کرده است؛ بازیکنی که می‌تواند در نقش هافبک نفوذی یا مهاجم سایه، الگوهای حمله ایران را متنوع‌تر کند.

قلعه‌نویی پیش‌تر قصد داشت این بازیکن را در تورنمنت تدارکاتی العین امارات مورد ارزیابی قرار دهد اما مجموعه‌ای از عوامل خارج از زمین مسابقه، این برنامه را به تعویق انداخت. مصدومیت جزئی اکرت در آن مقطع زمانی، به همراه طولانی شدن روندهای اداری مربوط به هماهنگی‌های بین‌المللی، باعث شد دعوت او چند ماه عقب بيفتد و از دستور کار کوتاه‌مدت خارج شود. با این حال، سرمربی تیم ملی هرگز این پرونده را نیست. حالا با نزدیک شدن به اردوی فروردین ۱۴۰۵، قلعه‌نویی بار دیگر بر ضرورت حضور اکرت تأکید دارد؛ حضوری که بیش از آنکه پاسخی به انتقادات باشد، بخشی از برنامه بلندمدت کادر فنی برای شناخت دقیق تمام گزینه‌های در دسترس است. نکته جالب این است که

درباره نتایج اخیر پرسپولیس؛ وقتی آمار، نظم و صداقت نیمکت را تعریف می‌کند

استاندارد اوسمار



در موضوع حاشیه‌هایی مانند وقت‌کشی یا انتقادات مربی حریف، پاسخ اوسمار کوتاه و محترمانه بود. این خونسردی، فضای اطراف پرسپولیس را از تنش‌های اضافه دور نگه داشته و اجازه داده تمرکز تیم، روی زمین باقی بماند. نگاه او به بازیکنان نیز بر همین پایه استوار است. برای او، نام‌ها اولویت ندارند؛ معیار، عملکرد در تمرین و اعتمادبه‌نفس در مسابقه است. حتی بازیکنان ملی‌پوش، جایگاه تضمین‌شده ندارند و باید خودشان را ثابت کنند. این سیاست، رقابت سالمی درون تیم ایجاد کرده که نتیجه‌اش، افزایش کیفیت جمعی است.

در پایان، اوسمار به نکته‌ای اشاره کرد که شاید مهم‌ترین پیام او به هواداران باشد: امتیاز گرفتن همیشه به‌معنای رضایت کامل نیست. او وعده داد نیم‌فصل، تیم را در برخی بخش‌ها تقویت کند تا هم نتایج حفظ شود و هم کیفیت بازی بالاتر برود. وعده‌ای که با توجه به مسیر طی‌شده، بیشتر به برنامه شباهت دارد تا شعار.

پرسپولیس اوسمار، تیمی است که آرام جلو می‌رود، رکورد می‌شکنند و در عین حال، خودش را نقد می‌کند. شاید همین ترکیب نظم، صداقت و ثبات است که «استاندارد اوسمار» را به معیاری تازه در لیگ برتر تبدیل کرده است.

■ **صداقت روی نیمکت**
پس از برد برابر آلومینیوم، اوسمار ترجیح داد واقعیت را همان‌طور که هست بیان کند. جمله کوتاهش درباره سفید شدن موها، شاید در نگاه اول شوخی به نظر برسد اما در اصل، توصیف دقیقی از لیگ برتر ایران است؛ لیگی که در آن، هیچ مسابقه‌ای ساده نیست و هر امتیاز، بهای روانی دارد. او نه از برد یک بر صفر ذوق‌زده شد و نه تیمش را بی‌نقص دانست. از سختی نیمه دوم گفت، از نیاز به پیشرفت در فاز هجومی و از اینکه بردهای اقتصادی، نشانه فوتبال کامل نیست. این صداقت، ویژگی سرمربی‌ای است که به‌جای پنهان شدن پشت نتیجه، به‌دنبال ارتقای عملکرد است.

در واکنش به بحث عقب‌نشینی تیم پس از گل، اوسمار بازی را به‌درستی تحلیل کرد و توضیح داد تغییر جریان مسابقه و فشار حریف، تیم را ناچار به دفاع کرده و این را بخشی طبیعی از فوتبال دانست. نه انکار، نه توجیه؛ فقط توضیح.

■ نظم به جای بهانه

حتی وقتی صحبت از شرایط زمین و داوری شد، اوسمار همان مسیر متعادل را ادامه داد. تأکیدش بر اهمیت کیفیت زمین، بیش از آنکه شکایت باشد، یادآوری یک اصل حرفه‌ای است. او نشان داد عادت ندارد ناکامی‌ها یا نقص‌ها را به عوامل بیرونی گره بزند؛ رویکردی که به تیمش نیز منتقل شده است.

سیدجلال حسینی به کادر فنی تیم، این قصه عجیب به تحرک بیرونی بازمی‌گردد؛ ایجت‌های سیدجلال که رابطه نزدیکی با ایجنت اوسمار دارند می‌خواهند موکل بیرون‌مده خود را به پرسپولیس قالب کنند. حسینی کیشبه از قامت بازیکن بدل به مربی شد اما نقش او در بازل هدایت تیم از تماشای تمرین و دادن آب معدنی فراتر نرفت. با آمدن کارنال ترکیه‌ای مازاد اعلام شد و دوران کوتاه حضورش بدون تأثیر خاصی به پایان رسید.

برخلاف برخی دوره‌ها، کارشناسان فوتبال در هفته‌های اخیر چندان ضعف جدی‌ای را در فاز هجومی تیم ملی مطرح نکرده‌اند اما کادر فنی معتقد است فوتبال مدرن، به انتخاب‌های بیشتر و انعطاف تاکتیکی بالاتر نیاز دارد. دعوت احتمالی اکرت، بیش از هر چیز یک دعوت آزمایشی محسوب می‌شود. قلعه‌نویی قصد دارد عملکرد این بازیکن را از نزدیک ببیند، میزان هماهنگی او با ساختار تیم ملی را بسنجد و در نهایت تصمیم بگیرد آیا می‌تواند در لیست نهایی ایران برای جام جهانی ۲۰۲۶ جایی برای وی داشته باشد یا نه. اردوی فروردین، به نوعی هم نخستین و هم آخرین فرصت اکرت برای ورود جدی به معادلات تیم ملی خواهد بود؛ فرصتی که اگر به‌درستی از آن استفاده شود، می‌تواند مسیر تازه‌ای در ترکیب هجومی ایران باز کند.

ورود پارلمان مصر به پرونده جنجالی سیاتل

خط قرمز مشترک



فدراسیون فوتبال مصر اکنون منتظر پاسخ رسمی فیفا است. اگر فیفا در خواست ایران و مصر را بپذیرد و مانع اجرای برنامه‌های منحرف و مسأله‌دار جانبی کمیته فرهنگی سیاتل شود، پرونده بسته خواهد شد اما اگر پاسخ منفی باشد، مسیرهای حقوقی متعددی پیش روی ۲ فدراسیون قرار دارد.

بر اساس مقررات بین‌المللی، در صورت رد درخواست از سوی یکی از کمیته‌های فیفا، امکان اعتراض به کمیته استیفاف وجود دارد و اگر تصمیم در سطح شورای فیفا اتخاذ شده باشد، شکایت می‌تواند به دادگاه حکمیت ورزش ار جاع شود. این مسیر حقوقی، نشان می‌دهد اعتراض ایران و مصر، نه احساسی و نه سیاسی، بلکه مبتنی بر سازوکارهای رسمی فوتبال جهان است. با این حال، کارشناسان هشدار می‌دهند گزینه انصراف از انجام مسابقه اساساً مطرح نیست، چرا که چنین اقدامی

می‌تواند مجازات‌های سنگینی برای ۲ تیم در پی داشته باشد. موضوع اصلی، حفظ چارچوب مسابقه و جلوگیری از تحمیل رفتارهای خارج از عرف است؛ رفتاری که ریشه آن نه در فیفا، بلکه در تصمیمات کمیته فرهنگی سیاتل قرار دارد. برخی مدیران پیشین فوتبال مصر نیز ایین پرونده را «حساس و چندان‌یه» توصیف کرده‌اند. از نگاه آنها، حل‌وفصل ماجرا نیازمند فشار حقوقی، همزمان با مذاکره است اما در عین حال تأکید دارند آنچه کمیته فرهنگی سیاتل دنبال می‌کند، اساساً غیرقابل پذیرش است و نباید به رویه‌ای عادی

در جام‌جهانی تبدیل شود. آنچه این بحران را بر جسته‌تر می‌کند، پیامدهای بلندمدت آن است. اگر امروز یک کمیته فرهنگی شهری بتواند مسابقه‌ای میان ۲ کشور مسلمان را به میدان نمایش رفتارهای ضداسلامی تبدیل کند، فردا هیچ تضمینی وجود ندارد که جام‌جهانی به ویتترین پروژه‌های فرهنگی یک‌جانبه بدل نشود. این دقیقاً نقطه‌ای است که فیفا باید میان «بی‌طرفی واقعی» و «سکوت پرهزینه» یک مورد را انتخاب کند. در نهایت، ورود پارلمان مصر به این پرونده، نشان می‌دهد موضوع از سطح یک اختلاف ورزشی عبور کرده و به مساله‌ای مرتبط با کرامت اخلاقی، فرهنگی و دینی رسیده است. توپ حالا در زمین فیفاست اما مسؤولیت اصلی همچنان متوجه کمیته فرهنگی سیاتل است که با تصمیمی تحریک‌آمیز، فوتبال را وارد مسیری کرده که نه به سود ورزش است و نه به سود همزیستی ملت‌ها.